فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc210054879)

[احتمال چهارم 2](#_Toc210054880)

[تکرار مطلب 3](#_Toc210054881)

[اَشکال فنی مسئله 4](#_Toc210054882)

[شکل اول 4](#_Toc210054883)

[شکل دوم 4](#_Toc210054884)

[شکل سوم 5](#_Toc210054885)

[تکرار مطلب 5](#_Toc210054886)

[قصد تحریک در معنای تبرج 6](#_Toc210054887)

[بیان مسئله 7](#_Toc210054888)

[پاسخ به مسئله 7](#_Toc210054889)

[احتمال اول 7](#_Toc210054890)

[احتمال دوم 7](#_Toc210054891)

[احتمال سوم 8](#_Toc210054892)

**موضوع: مبحث نگاه /اخـتـلاط**

# پیشگفتار

بحث در آیه شریفه تبرج بود که یک مقداری هم مباحث گسترش پیدا می‌کند نباید نگران بود چون این آیه غیر از خاص مباحث اینجا، مباحث متعدد دیگری دارد که در جاهای مختلف می‌شود از آن استفاده کرد.

بحثی که در ترکیب آیه و مفاد از این جمله **﴿لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾** مطرح شد، سه احتمال بود که کنار گذاشته شد که احتمالاتی بود که لَا تَبَرَّجْنَ را کنایه از آن سه امر بگیریم، این بر اساس اصالة الموضوعیه و اصالة الحقیقه و اصالة ‌عدم الکنایه و المجاز کنار گذاشته شد.

به سمت این آمدیم که معنا را همان چیزی بگیریم که در لغت هست و احیاناً توسعه‌ای که از روایات استفاده می‌شود.

# احتمال چهارم

این بود که معنای اظهار المرأه زینتها و محاسنتها را بگیریم اما یک توسعه‌ای که از روایات استفاده می‌شود آن را هم ضمیمه بکنیم و معنا را این قرار بدهیم تبرز زن چه در مقام امور شهوانی یا در مقام امور ناپسند و نادرست اجتماعی از قبیل بغی بر امام و امثال اینها. این معنای چهارم بود

دیروز عرض کردیم که دو احتمال می‌شود اینجا مطرح کرد؛

۱- این که این تطبیقی که در روایات نسبت به **﴿قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾** بر خروج عایشه بر امام سلام‌الله‌علیه، قرینه بگیریم که معنا را توسعه بدهیم. این یک احتمال است که نتیجه آن این احتمال چهارم می‌شود.

۲- در نقطه مقابل احتمال دومی وجود داشت که این را قرینه بر تعمیم مفهومی قرار ندهیم بلکه بگوییم این تطبیق، یک تطبیق تعبدی در خصوص زنان پیامبر است و از آن یک تعمیم مفهومی استفاده نمی‌کنیم بلکه یک تأویل باطنی است در مورد خاص و از این قبیل هم وجود دارد. این دو احتمالی است که دیروز مطرح شد و گفتیم در مسئله تردیدی وجود دارد.

اما ممکن است همان‌طور که دیروز مطرح شد و بعضی تمایل به این داشتند ممکن است کسی احتمال اول را تقویت بکند، بخصوص با توجه به اینکه وقتی به تفاسیر مراجعه می‌شود یا به تاریخ مراجعه می‌شود تطبیق این آیه بر موضوع عایشه، تطبیقی است که فراتر از شیعه مطرح بوده است، بعضی از مورخین، نسبت داده شده است یا بعضی مفسرین اهل سنت که این را پذیرفته‌اند و نقل کرده‌اند و در مقام احتجاجات هم مطرح می‌شده است.

اگر این را بپذیریم مقداری فرق می‌کند حتی گاهی جلوتر که برویم تصور این پیدا می‌شود که یکی از تفاوت‌های اساسی شیعه و سنی که در این مسئله البته برخی از کلمات اهل سنت، آن نظر شیعه را تأیید می‌کند، در این بوده است که این **﴿قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾** ارتباط با داستان جمل و عایشه داشته است یا خیر؟

یک رویکرد این بوده است که ارتباط داشته است و در آن کار تخلفی از آیات قرآن انجام شده است. اگر این باشد مقداری مسئله به سمت ترجیح آن احتمال اول در اینجا سوق پیدا می‌کند.

در حدی که همین نقل‌هایی که در تفاسیر هست، دیده می‌شود و حتی بعضی به تاریخ طبری نسبت داده‌اند.

اگر این باشد، آن وقت در واقع ما چند احتمال را باید ذیل این فرض اول تقویت بکنیم.

# تکرار مطلب

در معنای چهارم گفتیم ممکن است بگوییم تبرج یک معنای اوسعی دارد، از مسائل مربوط به روابط زن و مرد، زنان با نامحرمان، به سمت مصادیق دیگری از قبیل تبرزهای اجتماعی و سیاسی در فروضی که درست نیست و ناصحیح است مثل بغی و امثال اینها.

اگر این باشد و احتمال اول را ترجیح بدهیم این مفهوم یک گسترشی پیدا می‌کند به‌گونه‌ای که می‌شود به این لَا تَبَرَّجْنَ و قرنَ استناد کرد، علاوه بر مسائل روابط جنسی در روابط اجتماعی و سیاسی و مقوله‌های دیگر. این ترجیح پیدا می‌کند، احتمال اول بود که توسعه معنایی پیدا بشود.

اگر این را مقداری ترجیح بدهیم با مراجعات متأخری که داشتم این مقداری ترجیح پیدا کرد، منتهی آن داستان صفورا که نقل شده است، آن در این کتاب‌ها چند جا آمده است ولی سند به آن معنا که الان می‌گوییم استحکام نداشته باشد، ولی در عین حال متعدد در کتب و منابعی که وجود دارد، نقل شده است. از شیعه و شاید در منابع اهل سنت هم باشد.

که اگر این تطبیق تبرج بر داستان عایشه در منابع اهل سنت باشد، مقداری استحکام پیدا می‌کند، خیلی هم لازم نیست مته به خشخاش گذاشت و اسناد را به آن شکل بررسی کرد.

اگر این دو سه نکته جا بیفتد، آن احتمال توسعه معنایی تقویت می‌کند؛

۱- تعدد نقل‌ها و روایات از یک سو

۲- تعدد کسانی که این نظر را دارند و این را از اختصاصات شیعه می‌دانند

۳- بخصوص اگر این روایات در منابع عامه هم آمده باشد و این قول هم در منابع عامه آمده باشد با اینکه مطابق با عقاید آن‌ها نیست، آن وقت مقداری باید به این احتمال اعتنا کرد.

شاید یک مقداری این را با این نکات بشود تقویت کرد که تبرج یک معنای اوسعی از تکشف امام غیر محارم دارد و تبرز در مسائل نادرست سیاسی و اجتماعی زنان.

اگر این احتمال را تقویت بکنیم، آن وقت در شکل توسعه معنایی چند احتمال متصور است که اینها در جاهای دیگر عرض کرده‌ایم و الان به اختصار عرض خواهیم کرد.

# اَشکال فنی مسئله

چنانچه این احتمال اول را ترجیح دهیم که تبرج، توسعه‌ای پیدا کرده است و فراتر از آنچه ابتدا در مسائل جنسی تبادر می‌کند به امور اجتماعی و قلمروهای دیگر هم تسری پیدا می‌کند، شکل فنی قصه به یکی از این صور می‌شود اشاره کرد.

## شکل اول

این است که بگوییم (همان‌طور تا الان ظاهر کلمات بود) تبرج اصلاً مفهوم اوسعی پیدا کرده است یعنی به شکل مشترک معنوی، گفته شود یک معنای جدیدی با توجه به روایات به تبرج تزریق شده است، نقل معنا شده است از آن مفهوم اظهرت المرأه زینتها و محاسنها امام الاغیار توسعه پیدا کرده است که شامل این تبرج‌های اجتماعی هم بشود. یعنی معنای مشترک جدیدی پیدا شده است. این یک احتمال است.

و در واقع این احتمال با این تقریر است که اظهرت المرأة زینتها و محاسنها، یک مفهوم مشترکی دارد که اعم از ظهور و بروز زن است که همراه با ظهور و بروز محاسن و امثال اینها است، این ظهور و بروز اعم است از اینکه برای اغراض شهوانی و در مقام روابط زن با نامحرم‌ها باشد؟ یا اینکه این اغراض و مقاصد در این نیست، یک ظهور و بروزی است که یک غرض سیاسی را دنبال می‌کند، یک غرض سیاسی اجتماعی را دنبال می‌کند، اجتماع می‌کنند برای کشف حجاب، برای خروج بر امام اجتماع می‌کنند.

## شکل دوم

این است که بگوییم استعمال لفظ در اکثر از معنا انجام شده است؛ اینجا لَا تَبَرَّجْنَ معنای ظاهر آن اظهار المرأه محاسنها و زینت‌ها در مقام تلذذات جنسی است، معنای حقیقی این است، با همین حدود و دایره، ولی با ملاحظه آن تطبیق می‌فهمیم که یک معنای دیگری برای این وجود دارد که تبرز و خروج بر امام است، خروج بر ارزش‌های الهی است و خروج بر امام و حکومت و معصوم است.

تبرج یک معنای دیگری پیدا کرده است که با معنای اول ربط دارد ولی به نحو ارتباط انتقال از معنا به یک معنای دیگر و آن قرینه می‌شود برای اینکه در آنِ واحد لَا تَبَرَّجْنَ در دو معنا به کار رفته است؛

۱- در معنای تبرز شهوانی که اظهرت المرأه محاسنها

۲- اظهرت المرأه محاسنها را به معنای عام نمی‌گیریم، همان معنای خود را دارد، این به معنای یک نوع ظهور و بروز در یک مسئله نادرست اجتماعی و سیاسی است به نحو مشترک لفظی در دو معنا به کار رفته است.

## شکل سوم

این است که کسی بگوید به شکل مجاز در معنای دوم به کار رفته است ولی همزمان لفظ در معنای حقیقی و معنای مجازی استعمال می‌شود.

معنای حقیقی همان است که ابتدا به ذهن تبادر می‌کند، در روابط جنسی و معنای مجازی آن تبرز در مسائل اجتماعی و اموری از آن قبیل است.

این سه شکل فنی مسئله می‌شود، بنابراین اگر توسعه معنایی را به شکل قاعده بپذیریم، نه اینکه بگوییم اختصاص به عایشه داشته است، آن یک تأویل است، آن را بپذیریم، بگوییم توسعه معنایی پیدا می‌کند، این یکی از این سه شکل فنی که اشاره شد متصور است.

# تکرار مطلب

امروز ما دو سه نکته در تکمیل بحث دیروز عرض کردیم در ذیل این احتمال توسعه معنایی.

۱- با شواهد و قرائن بیشتری که به نظر می‌آید، توسعه معنایی را بشود ترجیح داد بر آن احتمال اینکه یک تأویل اینجا انجام شده است که قابل تعمیم نیست. آن توسعه معنایی قابل تعمیم بر آن تأویل غیر قابل تعمیم به دیگران ترجیح دارد.

این یک نکته حاصل کلام هست.

۲- این است که اگر این را ترجیح دهیم، شکل فنی و اصولی و ادبی این مسئله حداقل سه فرض است؛

۱- اشتراک معنوی

۲- اشتراک لفظی و استعمال لفظ در دو معنا به نحو دو معنای حقیقی

۳- اشتراک لفظ در دو معنا که یکی حقیقی و دیگری مجازی است.

این ممکن است در مقام تفاصیل تفاوتی داشته باشد، یعنی آثاری داشته باشد و بعید نیست همان معنای اول را مقصود بکنیم، یعنی با یک نگاه ویژه تبرج را خدا در اینجا توسعه معنایی داده است به نحو معنای واحد و در آن معنا به کار برده است

و شاید بشود گفت این توسعه، فقط توسعه تعبدی نیست، شاید بشود گفت با توجه به اینکه به این احتجاج می‌شده است، در لغت عرب زمینه‌ای هم داشته است؛ چون یک جوری احتجاج، ولو فی الجمله می‌شده است که عایشه این تبرج را انجام داد.

از این جهت است که ممکن است بگوییم آن احتمال اول تقویت می‌شود و زمینه‌های لغوی و عرفی داشته است نه اینکه فقط محض تعبد اینجا باشد.

این یک بحث تکمیلی نسبت به دیروز بود. تفاوت امروز با دیروز در این است که دیروز تردید در انتخاب تأویل یا تعمیم قوی‌تر بود، امروز ترجیح آن تعمیم و توسعه آن معنایی را مرجح‌تر دانستیم با آن دو سه قرینه و شکل فنی، این سه نوع که عرض کردیم.

در بحث تفسیری عرض کردیم این توسعه‌ها و بیان مصادیق جدید، اصل این است که معنای اصلی را به هم نمی‌زند، اساس بحث ما این بوده است که قرآن اصولاً یک ظرفیت موسع معنایی دارد و این تأویلات، تطبیقات، حتی در حدی که امام حصر می‌کند که معنای این، این است، آنجا هم می‌گفتیم با قرائن و شواهد با اینکه در مقام تأویل و تطبیق حصر می‌کند می‌گفتیم معنای این آن نیست که معنای اصلی را کنار بگذار.

این تطبیقات، تأویلات، حتی آنجا که حصر دارد، هیچ وقت آن معنای اصلی و هسته اصلی معنایی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه یک استدلال واضح و قاطعی پیدا شود که گفته شود این معنای اصلی کنار گذاشته شده است و این است و آن دیگر نیست، جز اینکه قرینه قاطعی بر این امر پیدا شود، هرگونه توسعه معنایی و تطبیق و تأویل و جری و امثال اینها را نباید به معنای کنار گذاشتن آن معنای پایه و هسته اصلی معنایی گرفت.

به طور کلی ریشه این مسئله این است که تاب تحمل الفاظ و تعابیر، تابعی از آن ظرفیت متکلم، احاطه او و مقام بیان چیزی که همه جهات را در بربگیرد است و این در قرآن در اوج است، قرآن کریم این ظرفیت، این کشش الفاظ که با دقت انتخاب شده است، الفاظ محفوظ است و مقام این که تبیان لکل شئ است، قرینه می‌گیریم که هیچ وقت نباید تضییق را در معانی قرآن، به سادگی تمکین کرد و پذیرفت.

به عبارت دیگر، اصل گسترش معنایی در آیات قرآن است، این را یک اصل پایه و قاطع می‌دانیم.

نهی را نهی تحریمی گرفته‌اند بر خلاف قرن که بیشتر تمایل به این بود که استحبابی باشد، ظهور در تحریمی دارد.

بنابر این معنای چهارم این بود که تبرج یک توسعه معنایی پیدا کرده است و هم امور روابط جنسی و هم سایر قلمروها را در برمی‌گیرد.

اگر کسی این توسعه را نپذیرفت، پنجم می‌شود که آیه کنایه نیست آن طور که در سه احتمال اول می‌گفتیم و توسعه معنایی به غیر حوزه روابط جنسی ندارد، آن طور که در چهارم می‌گفتیم، بلکه می‌گوییم در حوزه مسائل جنسی و روابط جنسی قرار دارد که پنجم می‌شود.

بین چهار و پنج باید یکی از دو احتمال را انتخاب کرد.

# قصد تحریک در معنای تبرج

چه احتمال چهار و چه احتمال پنج هر کدام را بگوییم قدر متیقن دو احتمال، اظهار المرأه زینت‌ها و محاسنها است و تکشف أمام الاغیار است این قدر متیقن است.

- معنای چهار ضمن یک معنای اوسعی بود بنابر یک تقریر.

- در معنای پنج خود مستقلاً و منحصراً مقصود بود.

# بیان مسئله

هر کدام را بگوییم بحث بعدی آن است که این تبرج در معنای آن، قصد تحریک و تهییج نهفته است یا خیر؟

تبرج یعنی اظهار محاسن و تبرزی که به قصد تحریک یا تهییج یا جذب نامحرم است؟ اینها تعابیری است که در تفاسیر هم آمده است

یا اینکه تبرجت یعنی اظهرت المرأه زینت‌ها و محاسنها، اعم یا خصوص آنجایی که قصد نیست و اعم از آن است.

این سؤال در گستره معنایی خیلی مؤثر است و جای دقت هم دارد.

# پاسخ به مسئله

در پاسخ به این مسئله هم احتمالاتی متصور است؛

## احتمال اول

این است که کسی بگوید تبرج با قصد تحریک و تهییج و جذب شهوانی ربطی ندارد و کاری به آن ندارد. تبرج یعنی اظهرت المرأه شعرها و ذراعها و محاسنها این خود تبرج است ولو قصد تهییج نداشته باشد.

اگر این احتمال باشد، آیه بحث حجاب را می‌گوید، چون در حجاب که شعور و بدن را باید بپوشاند، آن کار به قصد تهییج یا وقوع و وجود تهییج ندارد، چه تهییج باشد چه نباشد؟ چه قصد بکند و چه قصد نکند؟ باید ستر بکند. این همان حجاب است، حجاب شرعی که برخی شامل کفین و وجه می‌دانستند و کثیری هم نمی‌دانستند و ما هم نمی‌دانستیم. ولی شامل بقیه اعضا می‌شود

آن حکم مشروط به این نیست که لذتی تولید بکند یا قصد لذت داشته باشد. حجاب یک امر شرعی است با قطع نظر اینکه تهییج موردی و مصداقی و فعلی بکند یا نکند؟

این یک احتمال است که کسی بگوید لَا تَبَرَّجْنَ یعنی ستر بکنید، لا تظهرنّ محاستکن و زینتکن و محاسن یعنی اعضاء و زینت هم زینت داخلی را می‌گیرد و هم زینت خارجی را می‌گیرد به همان بیاناتی که در یبدین زینتهن عرض کردیم. یعنی آیه، آیه حجاب می‌شود.

این احتمال اول در اینجا آیه را مختص به بحث حجاب می‌کند، لَا تَبَرَّجْنَ یعنی حجاب داشته باشید، یعنی اعضای خود را از نامحرم ستر بکنید و کاری به تهییج و قصد ندارد، اعم از این است که قصد باشد یا نباشد، اعم است از اینکه تهییج باشد یا نباشد.

## احتمال دوم

در نقطه مقابل احتمال اول است و آن این است که بگوییم مراد از اینجا آن امر در مقام تهییج است، قید دارد، اظهار المحاسن و الزینه در مقام تهییج و تحریک است. آن اظهار محاسن و زینتی را نهی می‌کند که همراه با تهییج یا در مقام تهییج شهوانی باشد.

این اگر باشد، آن وقت از اختصاص به بحث حجاب و حتی از اصل بحث حجاب به آن معنای عادی فاصله می‌گیرد. این بیشتر نزدیک به قاعده التذاذ، حرمت قصد التذاذ و ریبه می‌شود.

بنابر این احتمال دوم گرچه آیه در همان محدوده روابط قرار دارد و آنجا را بحث می‌کنیم اما در روابط کار به حجاب و ستر اعضا و جوارح ندارد، آیه می‌گوید غیر از اینکه با ستر باید باشد، آن در جای خود که آیه دارد، می‌گوید نباید اقدامات ظهور و بروز زن در جایی که برای تهییج و تحریک است، یا تهییج و تحریک بر آن مترتب می‌شود نباید انجام بدهد، منع شده است.

همان چهره که بنابر حکم اولی بگوییم ستر آن واجب نیست، همان اگر در جایی موجب تحریک و تهییج می‌شود، یا او در این مقام به نشان دادن چهره اقدام می‌کند حرام است، تبرج می‌شود

پس تبرج آن چیزی است که موجب التذاذات شهوانی و امثال اینها می‌شود.

## احتمال سوم

این است که هردو، لَا تَبَرَّجْنَ هر دو را می‌گیرد.